



۲۰۱۶/۰۴/۱۰



مترجم: دوکتور محمد اکبر یوسفی

## «کینه و نفرت از تمام قلب!»

«عالم سیاست، "چالمرز جانس" (Chalmers Johnson)، در باره سیاست نفوق طلبی امریکائی و حسادت های ضد "یانکی" («جان کوچک»، منسوب به امریکائی های شمال: فرهنگ آلمانی به آلمانی: مترجم)»

یادداشت کوتاه مترجم: با ختم "جنگ سرد" و از هم پاشیدن سیستم یک حزبی در "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" و انحلال پیمان نظامی "وارسا" و هم چنان، از هم پاشیدن روابط بین کشور های "اروپای شرقی"، یا "بلاک شرق" تحت رهبری و نفوذ "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی"، در محافل "غربی"، در صف "علمای سیاسی"، نظرات متفاوت و منجمله، نظراتی هم پخش می گردید، که گویا مسیر آینده مناسبات بین المللی را، در توازن قوای بین المللی، مبارزه "کلتور ها"، تعیین خواهد نمود. بعبارت دیگر رقابت های "کلتوری و مذهبی"، بین گلتور های متفاوت، عمدتاً مقابله گروپ های "بزرگ"، که از "عیسویت" و "بنیادگرائی اسلامی"، بیشتر یاد می نموده اند، براه خواهد افتاد. منجمله در کشور های "رو به انکشاف" و کشور های "نو آزاد شده" از قید استعمار هم چنان، جای جنبش ها و حرکات مبارزات "طبقاتی" را، جنبش ها و تمایلات "ناسیونالیستی"، خواهد گرفت.



Johnson, 70, Ex-Asien-Experte an der Universität Berkeley, während des Kalten Kriegs Berater des CIA und – nach eigener Einschätzung – „Speerspitze“ des Etablissements, gilt heute als harscher Kritiker der amerikanischen Hegemonial- und Militärpolitik.

انکشافات بعدی حالات خیلی بغرنجی را در مناسبات بین المللی نشان داده است، که عاری از گمراهی ها و بیراهه ها هم نبوده است. نمونه های معینی از حوادث و رویداد ها، صورت گرفته است، که به ظاهر امر، صدا های هر یک ازین گروپ ها، نیز شنیده شده است. از وقوع حوادث "تروریستی" در "نیویارک" و "واشنگتن" در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، که وضعیت دیگری را در مناسبات بین المللی با خود آورده است، قریب یک و نیم دهه سپری شده است.

با مرور سطحی بر عناوین منتشره، در مجله "شپیگل"، بزبان آلمانی، متوجه این مطلب شدم. با کمی شناختی که ازین "پروفیسر" از روی مقالات منتشره قبلی ایشان، وجود داشت، تا ترجمه آن نیز خدمت خوانندگان محترم، تقدیم گردد. البته قابل تذکر می دانیم، که مجله، تحت این عنوان، با پروفیسر، در سال ۲۰۰۱م، در ماه "سپتمبر"، در رابطه با "سیاست خارجی" ایالات متحده امریکا، مصاحبه انجام داده است، که در شماره ۳۸ همان سال، در صفحه ۱۶۴، بتاریخ ۱۵ سپتمبر، قریب چهار روز بعد از وقوع آن حادثه نشر شده است. در همین صفحه، مجله با نشر تصویر پروفیسر، به معرفی مختصر ایشان نیز پرداخته است، که در اینجا نیز، تقدیم می گردد. («جانسن»، ۷۰ ساله، متخصص سابق آسیا در پوهنتون "بریکلی" (Berkeley)، در زمان جنگ سرد،

مشاور "سی آی ای" و بر اساس ارزیابی خودم ( نویسنده "شپیگل")، بعنوان "نوک نیزه" آن اداره، شناخته می شد، امروز انتقاد کننده سرسخت سیاست تفوق طلبی و سیاست نظامی امریکا شمرده می شود.)) ( در منبع "انترنت"، تاریخ تولد او ۶ اگست ۱۹۳۱م و تاریخ وفات، ۲۰ نومبر ۲۰۱۰م، نشر شده است: مترجم)



حال توجه خوانندگان محترم را به متن مکمل مصاحبه مبذول می داریم:

« "شپیگل": پروفیسر "جانسن"، آیا آنچه در "نیویارک" و "واشنگتن" واقع شد، "تصادم تمدن"، و برخورد رویا رویی، دو کلتور بوده است، که هم قطار شما، "سامویل هنتینگتن" (Samuel Huntington) در کتاب خود، تحت همین نام، عنوان داده است؟ »

« "جانسن": نخیر، من بدان معتقد نیستم. لیکن بیشتر آنچه بوده است، که من در کتاب خود "انفجار عقبی" (Blowback) یا "پس لگد" تعریف نموده ام، که موضوع با نتایج سیاست امپراتوری امریکائی، ارتباط می گیرد. تروریزم سلاح ضعیفان است. »

«"شپیگل": آیا یک خلاصه اولی، می توانید ارائه کنید؟»

«"جانسن": مسئله اینست که یک مجموعه کاملی از ملت ها، با ما امریکائی

ها، با کینه و نفرت از تمام قلب، برخورد می کنند و هم اینکه آنها انگیزه دارند، تا هیولا هایی را علیه امریکا انجام دهند. ایالات متحده امریکا، قدرت خود را در تمام کنج و کنار کره خاکی ما توسعه می بخشد و بر ملت های مقیم، سیستم اقتصادی خود را جبراً تحمیل، می کند، بدون در نظر داشت، صدمات وارده ناشی ازین سیاست، بر آنها. حتی در برابر ایالات اتحادی خود ما هم، از زمان جنگ سرد، تا هنوز، بمتابئه محلات تحت قیمومیت، برخورد دارد. »

(پایان تصویر: رسم گذشت رنگه در "برودوی" در "نیویارک" بعد از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱م: ده سال قبل از حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م: مترجم)

## Pearl Harbor



Pearl Harbor ist ein Hafen und Hauptquartier der Pazifikflotte der United States Navy auf der Insel O'ahu, Hawaii, Vereinigte Staaten. Weltweit bekannt geworden ist er durch den Angriff der japanischen Streitkräfte am 7. Dezember 1941 auf die US-Pazifikflotte während des Zweiten Weltkriegs, der den Kriegseintritt der USA bewirkte. Der Stützpun... +

«"شپیگل": انسان از خود می پرسد، که خدمات مخفی

امریکا، بار دیگر چگونه، چنین بی خبر بوده است. »

«"جانسن": این دقیقاً، چنین یک نقطه است. میلیارد

هایی که، برای دفاع راکتی بمصرف می رسد، لازم

بود، بشکل بهتر برای کسب اطلاعات بطور عاقلانه،

بمصرف می رسید. آنچه درینجا واقع شده است، کاملاً

به آدرس ناکامی مطلق سیستم خبری و توضیحی ما، باید یاد شود. این هم کاملاً، مانند ۶۰ سال قبل در "پیرل هاربور"

(Pearl Harbor) می باشد - من از خود می پرسم، که پس در واقعیت با میلیارد ها، پول مالیات چه می کنند؟»

(متن پایان تصویر: "پیرل هاربور"، یکی از بنادر و مرکز عمده قوای بحری ایالات متحده امریکا در "بحر پسیفیک"،

واقع در جزیره "اواهو" در "هاوائی" می باشد. این بندر، زمانی از شهرت بین المللی برخوردار گردیده است، که

قوای جنگی جاپان، بتاريخ ۷ دسمبر ۱۹۴۱م، بر قوای بحری ایالت متحده، در جریان جنگ دوم جهانی، حمله کرده اند، و باعث شمول ایالات متحده امریکا در آن جنگ نیز شده است: مترجم) «شپیگل»: دیگر خدمات هم متأسفانه، بهتر نیست؟»

«جانسن»: نه، این در آن نهفته است، که پول زیاد در تخنیک عالی بمصرف می رسد، اما خیلی کم در بخش توضیحات و مشاهدات خبری کلاسیک، سرمایه‌گذاری می گردد. سیستم خبری و اطلاعاتی ما، باید بیشتر، چشم و گوش خود را دوباره، باز نگهدارد و واقعات و شنیده ها را، ماهرانه تحلیل نماید. فقط ازین طریق می توان تروریسم را تحت کنترل، در آورد.»

«شپیگل»: این وظیفه خدمات مخفی شمرده می شود. پس حال وظیفه سیاست چیست؟»

## Durban

Stadt



Durban ist eine Großstadt am Indischen Ozean an der Ostküste Südafrikas. Mit umliegenden Orten bildet sie die Metropolgemeinde eThekweni. Mit über 3,4 Millionen Einwohnern nach der Volkszählung von 2011 ist eThekweni die größte Stadt der Provinz KwaZulu-Natal und nach Johannesburg und Kapstadt die drittgrößte Stadt Südafrikas... +

«جانسن»: لازم است که ما از تحریکات دست بکشیم، و از دولت هایی چون عربستان سعودی، فاصله بگیریم. قوای نظامی ما ۶۵ پایگاه بزرگ نظامی، در دیگر کشور ها، در اختیار دارند. این هم در نهایت یکنوع امپریالیزم است.»

«شپیگل»: حکومت در واشنگتن می گوید که، بدینوسیله مکلفیت های بین المللی را بسر می رساند.»

«جانسن»: نخیر، ایالات متحده در برابر قرارداد های بین المللی، در برابر ملل متحد، حتی خود در برابر سؤالات "راسیزم"، غیر قابل اعتماد است، طوری که بار دیگر، در کنفرانس "دوربان" (Durban)، نشان داده است. جهان در حال حاضر، در برابر مردمان تحت ستم، امید زیاد، به ارمغان نمی آورد. همین نا اُمیدی هاست، که انسان ها را، به همچو اعمال تعصب آمیز، مانند "نیویارک" و "واشنگتن"، وادار می سازند.»

«دوربان»، شهری است، در بحر هند، واقع در سواحل شرقی افریقای جنوبی ...: مترجم)

«شپیگل»: آیا به این پیمانۀ، دوزخ مانند، این نوع تعصب را ترسیم می توانستید، آنطوری که خود را در "نیویارک" و "واشنگتن"، به گزارش قرار داده است؟»

«جانسن»: یقیناً، این هم که از آنجهت قابل توجه است، که در عین زمان، این دومین حمله بر "مرکز تجارت بین المللی" نیز بوده است. آنچه امروز واقع شده است، می توانست ده سال قبل هم صورت گیرد. مرکز تجارت بین المللی، یک "سمبول" سرمایه‌داری امریکا می باشد، دو مرتبه آتش را بسوی خود جذب نمود. "پنتاگن" (Pentagon)، هم چنان در نهایت هدف غیر احتمالی، برای یک حمله تروریستی، نبوده است.»

«شپیگل»: آیا این حمله تروریستی، ذوق - "ای بی ام" (ABM)، "جورج بوش" را تسریع خواهد بخشید. آیا امریکا از نگاه نظامی متحد خواهد بود؟»



«جانسن»: من اینرا نمی دانم. اما حکومت ما متعصب است. این حکومت شیفته راکت و "دیو" سیرت و شیطان سازی کوریای شمالی و چین، است. این حکومت باید، بازگشت به سیاست واقعیت بینانه را، دوباره بیابد.»

«شپیگل»: شما هم معتقد استید، که "بن لادن" برای این حمله مسئولیت دارد؟»

«جانسن»: می تواند باشد. لیکن در نظر داشته باشید، که ایالات متحده تنها در "اوکیناوا" (Okinawa)، باز هم، ۳۸ پایگاه نظامی دارد – به مفهوم این نیست که من "اوکیناوا" را مورد سوء ظن قرار می دهم.»

«شپیگل»: نباید کشور های به اصطلاح بی بند و بار و خود سر، طور دیگری، تحت کنترل در آورده شوند؟»

«جانسن»: ما دقیقاً نمی فهمیم، که اینها کیانند. کشور های که خود را از جانب ما، تحریک شده احساس می کنند، حتماً بدون قید و شرط، این احساس را افشاء نمی کنند.»

«شپیگل»: "هینری کیسینجر" (Henry Kissinger) در تلویزون گفت، که ایالات متحده، حال مجبوره عمل خواهد بود، مانند آنچه در "پیرل هاربور" (Pearl Harbor)، عکس العمل نشان داده اند. این بمعنی جنگ خواهد بود.»

«جانسن»: من بیم دارم که انظار عمومی امریکا، ازین فاجعه، نتایج اشتباه آمیز استخراج خواهند نمود.»

«شپیگل»: کدام نتایج؟»

«جانسن»: آنها، نظامی ساختن زندگی عامه را تقاضا خواهند نمود. آنها از سیاست توقع خواهند داشت، که از زور بیشتر علیه مردمانی، کار بگیرند، که از ما نفرت دارند، و هم اینکه به نسبت سیاست تفوق طلبی ما، نه بندرت دلیل دارند، که از ما متنفر اند. ما، لازم است از خود بپرسیم: که پس ما در جهان، کجا مجبوریت به حضور نظامی خواهیم داشت؟ نمی توانیم بخود تکلیف روا دار شویم، تا کمتر به مردم در جهان، دلیل در دست آنها دهیم، تا بر ما مقهور و مغضوب باشند؟»



Space Needle und Downtown Seattle

«شپیگل»: بطور مثال، به مخالفین "گلوبالیزیشن"؟»

«جانسن»: بلی، این امر، رشته سرخی را از "سیتل" (Seattle) (واقع در شمال غرب ایالات متحده امریکا: مترجم)، تا "گینوا" (Genua) (واقع در شمالغرب ایتالیه:

Genua



مترجم)، تمديد می دهد.»

«شپیگل»: آیا ما برای مبارزه علیه تروریزم، هم چنان به همکاری بیشتر بین المللی در سراسر جهان، نیازمند نیستیم؟»

«جانسن»: بلی، لیکن ما به پولیس و توظیف بیشتر "ناتو" نیاز نداریم. آنچه ما به آن عاجل نیازمند استیم، عبارت از بیشتر "دیپلوماسی" خوب می باشد. «مصاحبه: "ایریش ویده من" (Erich Wiedemann) ("شپیگل شماره ۳۸، صفحه ۱۶۴، تاریخ نشر، ۱۵ سپتمبر ۲۰۰۱م)

پایان